

نگاهی به ظرفیت‌های فرهنگی کتابخانه‌های مساجد

در جست‌وجوی پایگاه‌از دست‌رفته



منطقه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

«بچه‌ها دور تا دور مسجد نشسته‌اند. هادی علی اکبری دم در ایستاده و به آنها خوش آمد می‌گوید. کتاب‌ها توی آبدارخانه که تقریباً یک و نیم در دو و نیم متر بیشتر نیست، جاگرفته و توی قفسه‌های آجری چیده شده، همه ساکت بودیم، حسن جعفری بیگلو یکی از کتاب‌ها را به بهزاد بهزادپور داد و او هم با صدای بلند شروع به خواندن کرد، کوچک‌ترها سرپایا گوش بودند.

اکبر قدیانی یکی از نمایشنامه‌های اکبررادی را به فردی نشان داد و امیرحسین به‌آهستگی گفت: «می‌شود رویش کار کرد، اینجاست تونیم نمایشنامه‌های کوتاه برای بچه‌ها اجرا کنیم.» هادی دستی به موهایش کشید و آمد کنار سلحشور ایستاد. امیرحسین به سلحشور نگاه کرد و گفت: «فوج جان آخر همین هفته قرار بگذاریم و روی این نمایشنامه تمرین کنیم.»

سلحشور به کتاب نگاه کرد و گفت: «متن‌های دیگری هم هست که خیلی بهتر می‌شد رویشان کار کرد؛ باید خانه را بگردم.» و به فکر فرو رفت. سعید فلاح‌پور و مجید ریاضی متوجه پیج پچ آنها شدند و بهزادپور با صدای بلندتری به قفسه خواندن ادامه داد… امروز افتتاحیه کتابخانه بود. حاج‌آقا مطلبی هم چند لحظه‌ای بین بچه‌ها نشست، محمدتخت‌کشیان جعبه شیرینی رادور داد، احمد طلاتی با لپ‌خند دو تکه از شیرینی‌های ریزشده را برداشت و انداخت توی دهانش و امیر عرفانیان هم آخرین دانه شیرینی را برداشت. اکبر قدیانی با صدای بلند صلوات فرستاد و بقیه هم پشت سرش، حاج‌آقا مطلبی بلند شد

و برای نماز جماعت از پله‌ها پایین رفت.»

این تصویری است از یک مسجد که فعلاً و حاضران در آن سعی کردند خودشان را فقط در یک قالب نگه ندراند و با محوریت کتاب و مجموعه کارهای فرهنگی که داشتند، توانستند کودک، نوجوان و بزرگسال را به این مسجد جذب کنند. کتابخانه مسجد جوادالائمه واقع در ۳۰ متری جی تهران است؛ اواخر دهه ۸۰ وقتی این مسجد را شناختم، هیچ‌وقت تصوریش از ذهنم پاک نمی‌شد. مساجد همیشه پایگاه مهمی بوده‌اند. از چند مردم برای رفع مشکلاتی که داشتند انگار مسجد را تنها پایگاهی می‌دیدند که می‌تواند مشکل را حل کند و حال‌شان را خوب کند. با اطمینان فرزندان‌شان را به مساجد می‌فرستادند و همین نشان از اهمیت مساجد دارد. اولین قفسه کتابی که در مسجد گذاشته می‌شد، کودک و نوجوان دوش جمع می‌شدند. اما سجاد الان آن محور بود مسجد با کتاب، کم‌رنگ شده باشد. ممکن است در آمار و ارقام آن را مطرح کنند اما با واقعیت فاصله جدی وجود دارد. حرف‌های رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد باعث شد تا به این موضوع بپردازیم. روزگذاشته کمال خدا داد، در نشست خبری در اهواز به تعداد کتابخانه‌های مساجد اشاره کرده و گفته است که حدود ۱۰ هزار کتابخانه در مساجد کشور داریم که بخشی از آنها دارای مخزن و سالن هستند و بخش دیگری مخزن دارند ولی سالتی ندارند. او در ادامه صحبت هایش به این اشاره کرد که کتابخانه‌های مساجد تقریباً دو برابر کتابخانه‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی است و پیش‌سخان‌های کتاب مساجد، گسترده‌ترین پیش‌سخان کتاب در کشور هستند اما چون به‌صورت رایگان اداره می‌شود، کسی به موضوع کتاب و کتابخانه در مسجد توجه چندانی ندارد! اولین سوالی که به ذهن می‌رسد اینکه چرا مردم نباید به کتابخانه مساجد بروند؛ آن هم با آن عقبه‌ای که مسجد با محوریت کتاب نه‌تنها در دهه ۶۰ و ۷۰ بلکه پیش از انقلاب داشته است و اگر همه چیز به درستی ارائه و مدیریت می‌شد، مردم حتماً از کتابخانه‌های مساجد استقبال می‌کردند. در ادامه این گزارش مساجدی را معرفی کردم که کارشان با محوریت کتاب شکل گرفت و با اقداماتی که انجام دادند، مسجد را به محوری مهم تبدیل کردند. در ادامه چند نمونه از مساجد فعال و کتابخانه‌های آنها را بررسی کردیم.

مسجدی با ۷ هزار عضو کتابخانه

مسجد جوادالائمه (ع) در ۳۰ متری جی که خیلی‌ها هم اسمش را شنیده‌اند؛ تقریباً از اواسط دهه ۵۰، تلاش جدی‌اش شروع کرد تا بتواند کتابخانه مناسبی زاد در مسجد راه‌اندازی کند، پیش از آن، محل کتابخانه اتاقک کوچکی در جنب

شبهستان بود که چند قفسه فلزی کهنه و تعدادی کتاب‌های پراکنده مذهبی از نظر گروه سنی و موضوعات داشت. این مکان کوچک و این تعداد کتاب

اندک، هسته اولیه کتابخانه‌ای شد که تعداد اعضای آن در سال ۱۳۶۰، به هفت هزار عضو رسید و نیز تعداد عناوین موجود در آن، به صدها مورد سرکشید.

وقتی که طبقات بالای مسجد ساخته شد، یکی از سالن‌های آن را به کتابخانه اختصاص دادند و طی مراسمی در عید فطر، کتابخانه جدید افتتاح و مورد استقبال کودکان و نوجوانان واقع شد. فضای تمیز و نسبتاً بزرگ، قفسه‌های نو، کتاب‌های تازه و کارت‌های عضویت با طراحی جدید، همه عواملی بودند که تا اعضای بیشتری جذب کتابخانه شوند. اولین تابستان فعالیت کتابخانه در مکان تازه، مصادف با استقبال بی سابقه علاقه‌مندان شد.

زمانی که تعداد مراجعان کتابخانه، به‌طور چشمگیری افزایش یافت، مسئولان کتابخانه به این فکر افتادند که تنوعی در برنامه‌های آن به وجود بیاورند و صرفاً به امانت دادن و پس گرفتن کتاب بسنده نکنند. جلساتی را با محوریت کتاب شکل می‌دهند تا در مورد کتاب‌ها بیشتر صحبت کنند و نظر بدهند. همین می‌شود که کتابخانه مسجد جوادالائمه پایگاهی می‌شود تا جوانان و نوجوانان آن محل، با اشتیاق به مسجد بیایند و عضویت هفت هزار نفر در دهه ۶۰ در این مسجد نشان از این دارد که مسجد می‌تواند باتوق فرهنگی بشود، به شرطی که برنامه‌ها همین قدر جذاب باشد.

محلی برای کتاب‌های تازه‌منتشرشده

یکی دیگر از مساجدی که کتابخانه فعالی دارد، مسجد لزه‌در نزدیکی میدان خراسان است. این مسجد در دوران انقلاب، یکی از مراکز اصلی معترضان در جنوب شرقی تهران و مرکز تجمع جوانان انقلابی بود. مسجد لزه‌در از ابتدای تاسیسش با محوریت کتاب جلو رفت و فعلاًن آن سعی کردند تا کتاب‌های جدید را به کتابخانه مسجد بیاورند و از طریق همین کتاب‌ها هم برای نویسنده درآمذزایی کنند و هم بچه‌ها را به کتاب علاقمند کنند.

شیخ حسین انصاریان که از وعاظ مشهور تهران است درمورد این مسجد گفته است: «مرحوم برهان یک حیاط ۵۰ متری با اتاقی ۳۰ متری بر خیابان لزه‌در و کنار خانه‌اش ساخته بود که در آن به روی همه باز بود. تابستان‌ها افرادی از طلاب و کسبه نجف به مسجد لزه‌در می‌آمدند و در آن خانه اقامت می‌کردند. ایشان صبحانه و ناهار و شام آنها را می‌داد و هیچ‌گاه نمی‌پرسید که چند روز می‌خواهند بمانند. در مسجد، سه نوبت، نماز جماعت برپا بود. از هر صنف، بزاز، بقال، بنا، دکتر، مهندس و… برای نماز می‌آمدند. ایشان به همه سپرده بود که هر کاری دارید به یکدیگر مراجعه کنید؛ حتی برای ازدواج نیز تاکید داشتند که آنها از بین خود عروس و داماد پیدا کنند. عده‌ای از پزشکان مرید حاج‌آقا پیشینداد نیز غده‌ای بودند که اگر بیمار فقیری هست نزد ما بفرستید تا به رایگان او را درمان کنیم و در تهیه دارو به او کمک کرده و در صورت لزوم بستری‌اش سازیم. در اداره‌ها نیز حاج‌آقا میدان زیادی داشت. هر کس کارش به من بست می‌رسید، نامه‌ای از ایشان می‌گرفت و مشکل خود را حل می‌کرد. اگر کتاب تازه‌ای چاپ می‌شد، به مؤلف آن می‌گفت که کتاب هایت را به مسجد بیاور تا سفارش کنیم مردم بخزند. یکی از کسانی که کتاب هایش را برای فروش به آنجا آورده بود، مرحوم فیض‌الاسلام بود که کتاب نهج البلاغه‌اش را که در شش جلد بود به آنجا آورد و جلدی پنج تومان فروخت. پدر من هم یک دوره از آن خرید. مسجد لزه‌در تقریباً شهر کوچکی بود که افراد مختلف از هر صنفی در آن حضور می‌یافتند.»

مسجد قبا و کتابخانه‌ای که شهید مفتاح تاسیس کرد

حسینیه ارشاد سال ۱۳۵۰ یکی از آن مراکز الهام‌بخش بود که توانست جوانان انقلابی بسیاری را جذب اما با فشارهایی که ساواک داشت، سبب شد حسینیه ارشاد تعطیل شود. اما همان جوانان از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ حصار و خاکریز فرهنگی و انقلابی خودشان را در مجاورت حسینیه ارشاد و در کانونی با عنوان «مسجد قبا» بنا کردند.

مرتضی میرداد، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی در گفت‌وگویی که با مهر درباره تشریح اقدامات این مسجد در حوزه کتاب داشته است، می‌گوید: «مهم‌ترین

دغدغه آنان بعد از تاسیس مسجد قبا این بود که امام جماعتی را برای مسجد انتخاب کنند که بتواند با ارائه ایده‌های محتوایی هدایت و راهبری جوانان را برعهده بگیرد تا اینکه با شهید آیت‌الله دکتر مفتاح آشنا می‌شوند. بیونند شهید مفتاح با حوزه و دانشگاه و حضور فعال در این مراکز علمی سبب شده بود ایشان از شبهات و سوالاتی که در ذهن جوانان آن دوران وجود داشت آگاه باشد و بتواند پاسخگویی به این سوالات و پرسش‌ها را برعهده بگیرد.

هنگامی‌که شهید مفتاح به عنوان امام جماعت مسجد قبا انتخاب شد نخستین کاری که انجام داد تاسیس کتابخانه‌ای غنی در مسجد بود تا از این طریق نیاز نسل جوان رفع و خوراک ذهنش با وجود کتاب‌های دینی تامین شود. از دیگر اقدامات شهید مفتاح دعوت و تقدیر از عبدالفتاح عبدالمقصود، از نویسنده‌های مصری بود که پیرامون امام علی (ع) کتابی نگاشته بود، در آن دوران این نمونه از اقدامات که از یک نویسنده که پیرامون اهل بیت (ع) مطلبی نوشته تجلیل شود بسیار کم اتفاق می‌افتاد و این نوع برنامه‌ها از جمله برنامه‌های جدیدی بود که در مسجد قبا راه‌اندازی شد. همچنین شهید مفتاح با برپایی نمایشگاه کتاب که امروز یک امر بدیهی به شمار می‌رود توانست نمایشگاه‌هایی در مساجد و مناطقی که طالب کتاب هستند برپا کند و این از ابتکارات ایشان محسوب می‌شود. وی همه کتاب‌هایی که در آن مقطع مورد نیاز جوانان و مبارزات انقلابی بود را جمع‌آوری و با تخفیف از ناشران خریداری می‌کرد تا در اختیار جوانان بگذارد. وقتی می‌بینند این طرح مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرد همان ایده را در سایر مناطق نیز اجرا می‌کند.»

همه فعالیت‌های مسجد قبا از برگزاری نمایشگاه کتاب و ارسال کتاب به مناطق محروم گرفته تا توجه به حوزه تئاتر و هنر انقلاب و برگزاری چند نمایشنامه هنری همه و همه در راستای جذب جوانان انقلابی و در مسیر جریان انقلاب بود. فعالیت‌هایی که در ذیل مسجد انجام می‌گرفت و جذابیت‌های خودش را هم داشت.

شهید مطهری نمی‌خواست این کتابخانه به دست نااهلان بیفتد

مسجد الجواد (ع) که در ضلع شرقی میدان هفت‌تیر در سال ۱۳۴۱ تاسیس شد را نخستین مسجد مدرن ایران می‌نامند که البته بسیاری از معماری امروز آن در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی انجام گرفته است. نخستین امام جماعت این مسجد آیت‌الله «آقا سیدرضا زنجانی» بود که به دلیل کهولت سن، آیت‌الله شهید مطهری به جای ایشان از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ در مسجد، امامت جماعت را برعهده داشت. در دوران امامت جماعت استاد مطهری، این مسجد یکی از پرتحرک‌ترین مکان‌های انقلابی در تهران محسوب می‌شد. سخنران‌ها از اندیشمندان بزرگی نیز غالباً از جانب شهید مطهری برای سخنرانی به مسجد دعوت می‌شدند، چهره‌هایی چون: آیت‌الله امامی‌کاشانی، استاد محمدتقی فلسفی، آیت‌الله حسین نوری و حجت‌الاسلام فضل‌الله محلاتی، از جمله سخنران‌های این مسجد بودند.

فعالیت انجمن‌ها نیز در کارنامه انقلابی این مسجد به چشم می‌خورد. انجمن‌هایی چون انجمن مهندسین، انجمن اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی دانشجویان پلی‌کنیک، انجمن اسلامی پزشکان و… از جمله این انجمن‌ها بودند که این مسجد را به‌عنوان مرکزی برای تجمع انجمن‌های مخالف رژیم تبدیل کرده بودند. علاوه بر آن، در مبارزات دهه ۴۰ بعد از بسته شدن مسجد جاوید، پایگاه مبارزات انقلابی به مسجد الجواد (ع) انتقال پیدا کرد و بیشتر جلسات در آنجا برگزار می‌شد. بالاخره در ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۵ این مسجد به دلیل فعالیت‌های مبارزاتی گستره علیه رژیم پهلوی توسط ساواک و به دستور شاه، تعطیل شد. شهید مطهری خود علت انتخاب این مسجد را چنین ذکر کرده است: «برای اینکه مسجد الجواد (ع) که دارای کتابخانه‌ی مهم و مسجد و تالار تبلیغ باشکوه است، به دست نااهل نیفتند و دستگاه دست روی آن نگذارد، اینجا آمدم.» بعد از تعطیلی این مسجد توسط شاه و بعد از انقلاب این مسجد آنچنان فعال نبود، اما در سال ۱۳۶۸ آیت‌الله علی‌اکبر آشتیانی از یاران نزدیک امام خمینی (ره) و راه‌اندازی کانون فرهنگی تربیتی و کتابخانه دوباره فعالیت‌های مسجد در دهه ۷۰ ادامه پیدا کرد.

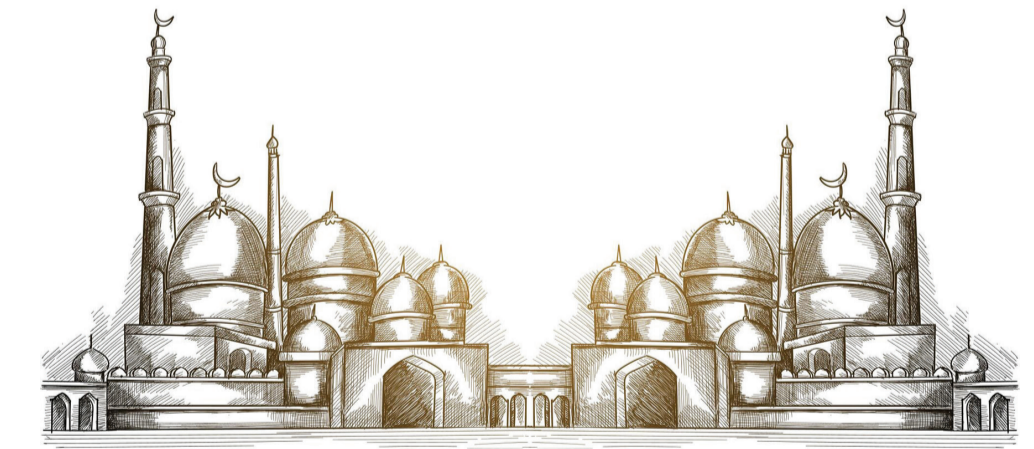
دغدغه آنان بعد از تاسیس مسجد قبا این بود که امام جماعتی را برای مسجد انتخاب کنند که بتواند با ارائه ایده‌های محتوایی هدایت و راهبری جوانان را برعهده بگیرد تا اینکه با شهید آیت‌الله دکتر مفتاح آشنا می‌شوند. بیونند شهید مفتاح با حوزه و دانشگاه و حضور فعال در این مراکز علمی سبب شده بود ایشان از شبهات و سوالاتی که در ذهن جوانان آن دوران وجود داشت آگاه باشد و بتواند پاسخگویی به این سوالات و پرسش‌ها را برعهده بگیرد.

هنگامی‌که شهید مفتاح به عنوان امام جماعت مسجد قبا انتخاب شد نخستین کاری که انجام داد تاسیس کتابخانه‌ای غنی در مسجد بود تا از این طریق نیاز نسل جوان رفع و خوراک ذهنش با وجود کتاب‌های دینی تامین شود. از دیگر اقدامات شهید مفتاح دعوت و تقدیر از عبدالفتاح عبدالمقصود، از نویسنده‌های مصری بود که پیرامون امام علی (ع) کتابی نگاشته بود، در آن دوران این نمونه از اقدامات که از یک نویسنده که پیرامون اهل بیت (ع) مطلبی نوشته تجلیل شود بسیار کم اتفاق می‌افتاد و این نوع برنامه‌ها از جمله برنامه‌های جدیدی بود که در مسجد قبا راه‌اندازی شد. همچنین شهید مفتاح با برپایی نمایشگاه کتاب که امروز یک امر بدیهی به شمار می‌رود توانست نمایشگاه‌هایی در مساجد و مناطقی که طالب کتاب هستند برپا کند و این از ابتکارات ایشان محسوب می‌شود. وی همه کتاب‌هایی که در آن مقطع مورد نیاز جوانان و مبارزات انقلابی بود را جمع‌آوری و با تخفیف از ناشران خریداری می‌کرد تا در اختیار جوانان بگذارد. وقتی می‌بینند این طرح مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرد همان ایده را در سایر مناطق نیز اجرا می‌کند.»

همه فعالیت‌های مسجد قبا از برگزاری نمایشگاه کتاب و ارسال کتاب به مناطق محروم گرفته تا توجه به حوزه تئاتر و هنر انقلاب و برگزاری چند نمایشنامه توجه اقشار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان و دانشگاهیان قرار دهد. وی فعالیت فرهنگی خود را با تاسیس مسجد هدایت در سال ۱۳۲۷ به شکلی منسجم آغاز و در دهه ۳۰، انجمن اسلامی دانشجویان را بنیان نهاد و در دهه ۴۰ نقش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد را برجسته کرد. در دهه ۵۰، با وجود رفتن به تبعید و زندانی شدن در راتا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد. بی‌شک مسجد هدایت سیاسی‌ترین مسجد دوران خود بود و با حضور جوانان و دانشجویان مراسم تفسیر شب‌های جمعه هیجان خاصی به خود می‌گرفت. یکی از دانشجویان شرکت‌کننده در آن مراسم در کتابی که برای همین مسجد نوشته است، می‌گوید: «کم‌کم چهره‌های مذهبی و دانشجویان همه دانشکده‌ها در مسجد هدایت پایکدیگر آشنا می‌شدند. بعد از اینکه تفسیر ایشان تمام می‌شد شاید تایک ساعت بعد از آن جمعی می‌نشستند و با هم صحبت‌های سیاسی می‌کردند. عده‌ای هم در مرحوم طالقانی جمع می‌شدند و سوال‌های خاصی مطرح می‌کردند. کتاب می‌خواندیم، کتاب‌های روز و فعالیت‌ها را با محوریت کتاب و نظر آیت‌الله طالقانی جلو می‌بردیم.»

چند سوال مهم

پیشینه‌ای که برای نمونه از چند مسجد گفتیم، تأییدکننده این است که مسجد به‌عنوان جایگاه عبادت مسلمانان از مهم‌ترین نهادهای جامعه اسلامی یا کارکردی چندمنظوره به شمار می‌آید و همواره نقشی بنیادین در وقایع اجتماعی داشته است. در پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد به‌عنوان پایگاه اصلی انقلاب نقش آفرینی کرد و امروز هم مساجد می‌توانند در کانون تحولات قرار بگیرند. آنچه در انتهای این گزارش مطرح می‌شود پاسخ به چند سوال است؛ اول اینکه کتابخانه‌های مساجد در دوره فعلی باز هم ضرورت دارند؟ سوال دوم این است که کارکرد کتابخانه‌های مساجد، با توجه به تغییر و تحولات و پیشرفت تکنولوژی نیاز به بازنگری مجدد دارد یا خیر؟ سوم اینکه سبب کتاب‌های محدود و تک‌نسخه‌ای در کتابخانه‌های مساجد پاسخگوی نیازهای امروز مخاطبان هست یا خیر؟ مساله مهم تر اما میزان ساعاتی است که درب مساجد به روی عموم مردم باز است؛ وقتی مساجد ساعات محدودی فعالیت دارند، کتابخانه‌های آنها چگونه و در چه بازه زمانی می‌توانند برطرف‌کننده نیازهای کتابخوانی مراجعه‌کنندگان باشند. به نظر می‌رسد کارکرد کتابخانه‌های مساجد نیاز به تجدید نظر و بازنگری اساسی دارد. در این مسیر دستگاه‌های ذی‌ربط، مانند نهاد کتابخانه‌های عمومی و سازمان امور مساجد نقش پررنگ‌تری را باید ایفا کنند.



دردسره‌ای «دفتر یادداشت» و ممیزی‌های اعمال نشده

براساس پیگیری‌های «فرهیختگان»، اکثر ممیزی‌های سریال «دفتر یادداشت» از سوی پلتفرم فیلم‌نت اعمال شده است اما با این حال سازندگان این اثر درصدی از این ممیزی‌ها را رعایت نکردند. اتفاقاً سکانس‌هایی هم که عموماً از جانب فضای اجتماعی مورد اعتراض قرار گرفته هم به خاطر همین عدم توجه به ممیزی‌ها است. بنا به شنیده‌های خبرنگار «فرهیختگان»، طاهران اولین بار نیست که پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی، نظراتی که ستاره‌ای آنها تذکر می‌شود را تماماً اعمال نمی‌کنند و در برخی موارد حتی از اعمال موارد اعلامی صرف‌نظر می‌کنند. با این حال شنیده می‌شود که سازندگان سریال دفتر یادداشت و مدیران فیلم‌نت در اعتراضی مستمر با ستار قرار دارند و نسبت به عوارض عدم توجه به موارد نظارتی متذکر شدند. باید دید این رواداری نسبت به پلتفرم‌های تازه تاسیس در راستای تقویت پلتفرم‌های جدید به‌عنوان رقبای فیلم‌بو یا ناستاوت یا خیر؟ دفتر یادداشت نام یک مجموعه نمایش خانگی ایرانی در ژانر کمدی و جنایی محصول سال ۱۴۰۱ به کارگردانی کیارش اسدی‌زاده تهیه‌کنندگی حسین اکبری است. دفتر یادداشت اولین تجربه بازیگری رضا عطاران در سریال نمایش خانگی پس از ۱۰ سال است. قسمت اول این سریال، جمعه ۲۶ آبان ۱۴۰۲ در پلتفرم فیلم‌نت پخش شد. در این سریال بازیگرانی چون رضا عطاران، حسن معجونی، مینا ساداتی و سیامک انصاری به ایفای نقش پرداخته‌اند.